

گفتگویی در باره دکان سکولار های سبز ایران

امیر فیض- حقوقدان

یکی از ایرانیان در احوالپرسی تلفنی نظر مرا در باره دکان تازه ای که زیر نام سکولار های سبز ایران با اشتراک شخصی که سابقه سیاسی او در شعار «امام خمینی شیر ایران و شیر اسلام» خوانده می شود، و آقای میبیدی باز شده را خواستار شد.

عرض کردم؛ آنطورکه گزارش منتشر شده جاوید ایران نشان می دهد، صد ها فعالیت با اصطلاح سیاسی زیر نام «موج سبز» وجود دارد و احتمال که این جریان صد ها نسبت به جنبش سبز هم وجود داشته باشد.^۱ و تا آنجا که خود من ناظر بوده ام علاوه بر واحد های متحد جنبش سبز با نام و سایت های گوناگون دو فکس دریافت داشته ام که مرا به همکاری دعوت کردند یکی بنام «جنبش سبز شاهنشاهی ایران» و دیگری بنام «سبز های مشروطه ایران»

کلمه سبز در نام و عناوین آنها گویای اعتقاد سیاسی آنهاست، درحالیکه اعتقاد سیاسی آن ها عیان است دیگر چه نیازی به تحقیق و اظهار نظر از جانب کسی دیگر است که عقیده سیاسی او معلوم و آشکارا مخالف اعتقاد سیاسی جنبش ویا موج سبز و در کلام درست وصادقانه سربازان اسراییل است.

اگر گیاه شناس ویا باغبان مجربی بداند علفی که درزمینش رویده بواسطه رطوبت موقتی است و ظرفیت زمین اجازه رشد به آن گیاه را نمی دهد آیا صرف وقت میکندکه آن علف ها را یکی یکی بیخ کن کند؟

در تطبیق موضوع این دکان های مشابه و فراوان که باز شده و می شود علامت سبز را هم بعنوان سر سپردگی به تشیع و وابستگی به بیگانگان علم خود ساخته اند مانند همان علفها می باشد که بمناسبت امکانات مالی که آمریکا برای پیشبرد جنبش سبز فراهم ساخته اعلام موجودیت می کنند و تازه هم رسم شده که با گرد آوری نام های اشخاص بهای خود را نزد آمریکا بالا ببرند. در قدیم هم در بازار برده داران این رسم بود که هرکه برده های بیشتری داشت ارج و قرب بیشتری داشت.^۲

این دکان تازه که موضوع سوال شماست یک خاک بر سری هم دارد که دکان های دیگر ندارند و آن این است که یک کلاه شیپوری بی دینی هم بسر دارد که نام آنرا «سکولار» گذاشته که هرچند این نام خوش آیند آمریکاست و آمریکایی بهای بیشتری به آنها می دهد، ولی ایرانیها از آن دوری می کنند، در حد فضولات آدمیزاد.

مخاطب من گفت؛ آخر این مورد با موارد سابق یک تفاوت عمده دارد و آن این است که اعلیحضرت هم وعده پشتیبانی وحمایت داده اند. عرض کردم آن روز هاکه فقط جنبش سبز یکی بود؛ اعلیحضرت نه تنها آنرا تنفیذ بلکه خود را سپر بلای آن جنبش ساختند وراه خودشان وراه موسوی را بیک نقطه مختوم دانستند، بنا براین هر سازمانی و جنبشی که بنحوی سبز شناخته شود، از حمایت و پشتیبانی اعلیحضرت بطور جدی برخورداراست، و اگر این قبیل حمایت ها موثر بود که جنبش سبز به صدها تکه تقسیم نمی شد.

^۱ - اگر در گوگل پژوهش کنید و واژه پارسی «موج سبز» را وارد کنید نزدیک به ۲،۵۸۰،۰۰۰ مورد در باره موج سبز و در پاسخ «جنبش سبز» ۱،۶۹۰،۰۰۰ مورد «جنبش سبز یا جنبش راه سبز» بدست خواهد آمد. البته ممکن است همه این موارد مربوط به موضوع سیاسی آقای کروی و موسوی نباشد ولی ۹۹ درصد آنها در همین راستا است. ح-ک

^۲ - اشاره استاد امیرفیض به امضا هایی است که از سوی سیاوش لشکری، میرزا آقا عسکری و همچنین اسماعیل نوری علا، جمع شده که بسیاری از آنها فقط به منظور کسب «اعتبار» با نام کسانی است که اصولا نه تنها این افراد بلکه کل جامعه ایران بطور اعم و مردم درون ایران بطور اخص اینها را به رسمیت نمی شناسند. ح-ک

وانگهی مگر یادتان نیست که شورا های مشروطه که با سرمایه اعتباری اعلیحضرت براه افتاد به چه سرنوشت شومی رسید و یا طرح رفراندوم «۶۰ میلیون دادکام» و امثالهم.

برادر من- اعلیحضرت در موقعیت و جایگاه سلطنت و به اعتبار مشروعیت و حقانیت قانون اساسی، موثر در مقام و حضور هستند و جدا از این موهبت تاریخی و سنتی وقانونی، تاثیر وجودی جز ایجاد فساد و بی اعتباری در موقعیتی که سنت و فرهنگ ایرانی برای شخص پادشاه قایل شده است نخواهند داشت، بگذار موضوع را در تمثیلی پیاده کنم.

یک لکوموتیو با حدود یکصد واگن حامل بارهای سنگین و مسافر براحتی در مسیر خود حرکت می کند و مطمئن ترین وسیله نقل و انتقال هم شناخته شده است ولی همان لکوموتیو در خارج از مسیر خود قدرت تحرک یک چهار پا را هم ندارد. اعلیحضرت هم در خارج از مسیر تاریخی و هویت نهادی سلطنت هیچ قدرت و تحرک سیاسی و اجتماعی موثر را ندارند. چندسال قبل مجله «پپیل = People = مردم» با اعلیحضرت مصاحبه ای داشت و در پایان گفت: «پهلوی به عنوان یک پادشاه می تواند همه مخالفان جمهوری اسلامی را زیر یک پرچم گرد آورد» و بنده فضولتا اضافه می کنم که بعنوان یک شهروند اگر بتوانند خودشان را جمع و جور کنند کار مهمی شده است.

من نمی خواهم بگویم که حضور اعلیحضرت در این دکان تازه هیچ تاثیری ندارد، زیرا از نظر فلسفی و حتی فیزیکی هیچ حضور و یا عدم حضور «وجود و یا معدوم شدن وجود» نمی تواند بی تاثیر باشد وبنابر عقیده انیشتن حتا یک دانه کبریت که روشن می شود در حرارت کره زمین تغییر ایجاد می گردد.

حضور اعلیحضرت با نام «رضا پهلوی» در این دکان همان اثر مثبتی را دارد که نام های ذکر شده در اعلامیه افتتاح دکان دارد، ولی اثر منفی آن بسیار است از جمله: باور عمومی مردم که «رژیم سلطنتی ایران هم دین و ایمان ما بود و هم رفاه و امنیت» با این خال رو برو می شود که «آن ممه را لولو برد، و متاسفانه ولیعهد بزیر پرچم بی دینی و یا سلب دین ما مردم قرار گرفته است» زیان این چنین باور و یا شک و یا تلقین و ترس حاکم بر جامعه ایران در رابطه با مبارزه براندازی رژیم اسلامی ایران دشوار نیست که شرح و بسط لازم داشته باشد - خدا حافظ.

**

*